

درنگی در آنچه در پایتخت جهانی فلسطینیان می گذرد

# غزه؛ روح بی قرار مقاومت

[محمد نوری]

برای مشاهده سیمای امروزین فلسطین، غزه یک نابود و آینه تمام نما است. آینه و عصاره ای از همه آن چیزی است که در این سرای رنج و اندوه می گذرد. حوادث این ناحیه کوچک که بیشترین جمعیت فلسطینی ها را با استعداد بیش از یک میلیون نفر در دل خویش جای داده است، اگر با نگاهی عمیق مرور شود پاسخ بسیاری از مسائل و معماهای ذهنی افراد بنا براین، همه کسانی که در پی فهمی دقیق از سیاست های رژیم صهیونیستی و متحدان خارجی آن در سرزمین های اشغالی هستند، همه تحلیلگرانی که در اندیشه تحلیل خط مشی جدید جهان عرب در این منطقه هستند و همه سیاستمدارانی که به دنبال یافتن سازوکاری برای حمایت از این ملت مظلوم می گردند باید در استیسا، باریکه غزه توقف کنند و در حوادث بزرگی که در این قطعه از سرزمین اسلامی می گذرد تأمل کنند.

غزه این موقعیت مرکزی خویش در جنبش فلسطین را از نیمه دوم دهه ۸۰ پیدا کرد، یعنی از وقتی که جرقه نخستین قیام مردمی و انتفاضه بزرگ مسجد الاقصی در این نقطه شعله ور شد. در همین دلیل نام غزه در ادبیات سیاسی جهان به عنوان زادگاه بزرگترین جنبش مبارزاتی ثبت شد. انتفاضه مولود غزه به سرزمین در نگاه همه مجاهدان فلسطین قداست خاصی می بخشد. بعد از حوادث دهه ۸۰، دستجات وهسته های جهانی فلسطین از اردوگاه های سوریه و لبنان راهی غزه می شوند و سازمان های استپوره ای جاهدین با راه های گران ادقاصی و عزالدین قسام یا به محسنه می گذارند. و به این صورت غزه به شوخ پایتخت انقلابیون این سرزمین و خاکریز تسخیرشدنی مردان این سرزمین.

این جنبه از اهمیت غزه است که بار اصلی پیشبرد مبارزه با اشغالگری و اشغالگران را بردوش می کشد. جنبه های دیگر موقعیت غزه را لود این سرزمین را بدین درفتی که در فرزند غزه در سیاست منطقه ای و بین المللی اغما می کند. مردم توجه را در غزه و با انتخابات ژانویه ۲۰۰۶ مسرر سیاست و دیپلماسی را در سرزمین فلسطین دگرگون کرد. در انتخاباتی که نام از آخرین زمین موکراسی در سرزمین های اشغالی را به خود گرفت ساکنان غزه به اتفاق کرانه باختری به تولد و تأسیس نخستین دولت انقلابی غزه در جهان اسلام رای دادند.

انتخاب غزه به عنوان مرکز کزیت نخستین دولت دموکراتیک فلسطین پیام ها و پیامدهای بسیار داشت. حماسی ها در حالی کابینه خویش را در این سرزمین مستقر کردند که طیف رقیب آنان موموم به تشکیلات خودگردان حکومت مولود پیامان سازمان اسلورا را رام لاله بر پا کرده بودند. بعد از این جایگاه محوری که پدید آمدن این مرکز مغان خودخواهانه را در فلسطین زمامداران حتی آن در حاشیه قرار گرفت که همین منشا بحران بزرگ گردید.

به این صورت با درآی انویته تاکنون همه رشته های تحولات فلسطین و خاورمیانه به غزه منت شده است. سیاست بین المللی و منطقه ای در بار فلسطین برز و دو سال طریقی بوده جدهان تصمیم ها و تادیب که برای غزه طرح کرده شد. به هر حال تا چند روز پیش ساکنان غزه را جنبه دومین مساکر توولد دولت فلسطین خویش را روشن ساخته گرفت، جنبش غزه در میانه شدیدترین تحریم بین المللی و غرض توجیه های رژیم صهیونیستی که این روزها به صورت بی وقفه این شهر را هدف اتل خویش قرار داده اند. تاریخ دو ساله فلسطین در دوران حکومت استپالینون حوالتی بی شگرفی را سپری کرد. سیاست استپالینون غزه چنان که قاطبه ناظران آنوقت از بزرگترین تاوان را در پی انتخابی که در ژانویه ۲۰۰۶ انجام دادند برداختند. همه پروژه ها و بحران های ممکن و تحریم در مدت در غزه به نفع پیوسته است. این محاصره و تحریم اقتصادی که هنوز بر حیات مردم مظلوم این سرزمین سایه انداخته است تا پروژه جنگ داخلی و هجوم و یورش های نظامی تا

**همه سیاستمداران می گویند که در نیال یافتن سازوکاری برای حمایت از این ملت مظلوم می گویند باید در استیسا، باریکه غزه توقف کنند و در حوادث بزرگی که در این قطعه از سرزمین اسلامی می گذرد تأمل کنند**



غزه و همه بازیگران منطقه ای فلسطین در شوک و حیرت عمیق نشانی از نتیجه انتخاب رایونه فلسطینیان قرار گرفتند. با آنکه آمریکا اروپا و اعراب همگی به تأیید و تشویق این انتخاب پرداخته اند و از عنوان نخستین زمین موکراسی ستوده شوند اما هیچ کدام انتظار از موفقیت خویش را در یک بند مقدم اعلام کردند و این انتخاب به عنوان بزرگترین شکست آمریکا و شرکای منطقه ای در نظر می کشند. نمایه این برتری خویشی در این دوید که چه غزه برای حمایت گذاری کلانوی روی طیف محافظان کار فتح انجام داده و همه شانس و امید خود را به پیروزی این جناح کرده رده.

پس از انتخابات با احتیاط باریکه جدهان فلسطین سیاسی را به مسرر و احتیاط گذاراندند. البته این سیاست احتیاط و احتیاط بر پایه یک محاسبه و فرضیه استوار گردید، فرضیه ای که از یک تسکونی معروف متفکران آن وقت سر نشأت می گیرد. یک تسکونی به سمت محاصره کلاری می کشاند و عملگرایی سرشوت محوموم همه رویش و نفیضت های ایدئولوژیک است که سنگ مبارزه را به سوی کسب قدرت سیاسی ترک می کشند. برپایه این فرضیه ششاماری از استمدادان غرغ به این باور بدل بسند که حضور در قدرت، جنبش انقلابی حماسی را به محافظه کاروی سازش با مخالفان بین المللی اتل وادار خواهد کرد. از طرفی آنچه این محافل را به درگیسی در حمایت



غزه یک سال نخست عصر حاکمیت حماس را در میان محاصره اقتصادی و فشارهای نظامی به سر کرد. در سناریوی تحریر اقتصادی که آمریکا و اسرائیل به طور مشترک در این سرزمین طراحی کردند همه نکاتلار خودگردان کمک سامنی به شهروندان مظلوم این سرزمین یکی از دیگری مسود شد. آمریکا، اروپا و بخشی از متحدان غربی و عربی خویش را نیز به این سناریو همراه کرد. اما دومین شگفتی بزرگ در این ناکامی از طرح های تحریم به وقوع پیوست. جنبش حماس که این بار در قامت یک دولت ظاهر شد توانست از یک سال و نیمی محاصره اقتصادی و سیاسی جان سالم به در برد. نشو این موفقیت حماس کسر از انتخابات ژانویه ۲۰۰۶ بود.

قسمت تازیک ماجراجوی تحریم دو ساله حماس برای غرب این بود که در نتیجه این تحریم های هوشمند سازمان یافته که فرار بود چهجه بیکار غزه مسرر دچار اشتقاق شود مردم گرسنه ساکن غزه سره قطبان علیه استپالینون بردارند، اما در فاندی معکوس چهجه غرب دچار اختلاف شد. به نحوی که علاوه بر شرکای عربی آمریکا که در تصمیمی آشکار در قاهره تحریم را کنار نهادند برخی از دولت های اروپایی نیز آرام آرام زبان به نقد و تجدید نظر خواهی در تصمیم واشنگتن - تل آویو گشودند.

جنبش حماس امیدوار کرد و در انتظار تبدیل دولت انقلابی غزه به حکومت سازش طلب نجره، تحریه سازمان فتح بود. تجربه درگیسی تشکیلاتی این سازمان با شرکت آن در پرورسه مدارش با سازش با راه ملایماتیک با جنگ فلسطین ایایی گرفتند. در این سیاست تعامل که در لباس میانجیگری میان دو گروه فتح و حماس به کار مجرند شد. پیامنی که فراسوده و مسرر به پیامن حکم اعتراض شد. پیامنی که حماسی را سنگ بنای دولت انقلابی فتح و حماسی را گویایر بر سرزمین غرغ کرد. از برخی کارکنکی های جزئی صهیونیست ها در مقابل این پیامن که بگنیدیم جنبش حماسی با حمایت آمریکا و اسرائیل این پیامن را دنبال کرد. اما پیاسخ حماس به این فمصل از تلاش های دیپلماتیک آمریکا و شرکایش نشان بود که قبل از پیامان

غزه یک سال نخست عصر حاکمیت حماس را در میان محاصره اقتصادی و فشارهای نظامی به سر کرد. در سناریوی تحریر اقتصادی که آمریکا و اسرائیل به طور مشترک در این سرزمین طراحی کردند همه نکاتلار خودگردان کمک سامنی به شهروندان مظلوم این سرزمین یکی از دیگری مسود شد. آمریکا، اروپا و بخشی از متحدان غربی و عربی خویش را نیز به این سناریو همراه کرد. اما دومین شگفتی بزرگ در این ناکامی از طرح های تحریم به وقوع پیوست. جنبش حماس که این بار در قامت یک دولت ظاهر شد توانست از یک سال و نیمی محاصره اقتصادی و سیاسی جان سالم به در برد. نشو این موفقیت حماس کسر از انتخابات ژانویه ۲۰۰۶ بود.

قسمت تازیک ماجراجوی تحریم دو ساله حماس برای غرب این بود که در نتیجه این تحریم های هوشمند سازمان یافته که فرار بود چهجه بیکار غزه مسرر دچار اشتقاق شود مردم گرسنه ساکن غزه سره قطبان علیه استپالینون بردارند، اما در فاندی معکوس چهجه غرب دچار اختلاف شد. به نحوی که علاوه بر شرکای عربی آمریکا که در تصمیمی آشکار در قاهره تحریم را کنار نهادند برخی از دولت های اروپایی نیز آرام آرام زبان به نقد و تجدید نظر خواهی در تصمیم واشنگتن - تل آویو گشودند.

جنبش حماس امیدوار کرد و در انتظار تبدیل دولت انقلابی غزه به حکومت سازش طلب نجره، تحریه سازمان فتح بود. تجربه درگیسی تشکیلاتی این سازمان با شرکت آن در پرورسه مدارش با سازش با راه ملایماتیک با جنگ فلسطین ایایی گرفتند. در این سیاست تعامل که در لباس میانجیگری میان دو گروه فتح و حماس به کار مجرند شد. پیامنی که فراسوده و مسرر به پیامن حکم اعتراض شد. پیامنی که حماسی را سنگ بنای دولت انقلابی فتح و حماسی را گویایر بر سرزمین غرغ کرد. از برخی کارکنکی های جزئی صهیونیست ها در مقابل این پیامن که بگنیدیم جنبش حماسی با حمایت آمریکا و اسرائیل این پیامن را دنبال کرد. اما پیاسخ حماس به این فمصل از تلاش های دیپلماتیک آمریکا و شرکایش نشان بود که قبل از پیامان

مکه اثبات کرده بود. یعنی این که حماس حتی در مذاکره و تعامل با برادران فلسطینی خویش حاضر به عدول از این بخش دیدگاه خویش در باره مبارزه با رژیم صهیونیستی نیست. روشن بود که با این تصمیم حماس، رقیب داخلی ای یعنی فتح تحت امر ابومازن و تماد و تنش روی می آورد. حماس در حالی بر اندیشه غاصب بودن رژیم صهیونیستی به چشم نهاد اقتدار خویش می نگریست که رقیب ابویتری و امتیاز خویش را در همان پیمان های سازش جست وجو می کرد. پیام این کشمکش که به مدت چند ماه کابینه مشترک هنیه و ابومازن را در بن بست و تضاد غوطه و رک یک دیواری خیابانی بود که به شکست عمیق طیف محافظه کار ابومازن در غزه و جدایی دیواره از اراضی فلسطینی نشین منجر شد.

**● مرحله رویاری**

جدایی فتح از حماس و جدایی غزه از رام الله فقط یک اشتقاق در خانواده گروه های فلسطینی نبود. این اتفاق برای همیشه راه در جریان سازش و مبارزه را از هم جدا کرد. در واقع با این اتفاق همه دولت انقلابی فلسطین و هم چهجه برشمار رقیبان داخلی و خارجی آن با آخرین انتخاب، خویش را که رویاری و تقابل بود برگزیدند. پس از این اسوزمان نیز به چهجه محاصره کنندگان غزه و فلسطین پیوست سازمان فتح در تصمیمی تلخ و غمه آلود خود به بخشی از سناریوی براندازی دولت منتخب و فوننی فلسطین بدل گردید. بدون تردید سران انقلابی غزه پس از دهه مان سناریوهایی که این جنبش را با نشستن پای امیر سازش با اسرائیل یا عدول از مرامنامه مبارزاتی اش فرامی خواند انتخابی همه نوع برخورد های نظامی و اقتصادی را داشتند اما پیوستن بی حجابی سازمان فتح و برخی دولت های عربی به این طرح ها قدری عیب بود. به این دلیل که این تحریر ها و ترغفدها اغلب لعاب بری انسانی دارند و در عمل پایه های معیشت مردم را هدف قرار می دهند.

**● مرحله اندام و انتلاف**

غزه یک سال نخست عصر حاکمیت حماس را در میان محاصره اقتصادی و فشارهای نظامی به سر کرد. در سناریوی تحریر اقتصادی که آمریکا و اسرائیل به طور مشترک در این سرزمین طراحی کردند همه نکاتلار خودگردان کمک سامنی به شهروندان مظلوم این سرزمین یکی از دیگری مسود شد. آمریکا، اروپا و بخشی از متحدان غربی و عربی خویش را نیز به این سناریو همراه کرد. اما دومین شگفتی بزرگ در این ناکامی از طرح های تحریم به وقوع پیوست. جنبش حماس که این بار در قامت یک دولت ظاهر شد توانست از یک سال و نیمی محاصره اقتصادی و سیاسی جان سالم به در برد. نشو این موفقیت حماس کسر از انتخابات ژانویه ۲۰۰۶ بود.

قسمت تازیک ماجراجوی تحریم دو ساله حماس برای غرب این بود که در نتیجه این تحریم های هوشمند سازمان یافته که فرار بود چهجه بیکار غزه مسرر دچار اشتقاق شود مردم گرسنه ساکن غزه سره قطبان علیه استپالینون بردارند، اما در فاندی معکوس چهجه غرب دچار اختلاف شد. به نحوی که علاوه بر شرکای عربی آمریکا که در تصمیمی آشکار در قاهره تحریم را کنار نهادند برخی از دولت های اروپایی نیز آرام آرام زبان به نقد و تجدید نظر خواهی در تصمیم واشنگتن - تل آویو گشودند.

جنبش حماس امیدوار کرد و در انتظار تبدیل دولت انقلابی غزه به حکومت سازش طلب نجره، تحریه سازمان فتح بود. تجربه درگیسی تشکیلاتی این سازمان با شرکت آن در پرورسه مدارش با سازش با راه ملایماتیک با جنگ فلسطین ایایی گرفتند. در این سیاست تعامل که در لباس میانجیگری میان دو گروه فتح و حماس به کار مجرند شد. پیامنی که فراسوده و مسرر به پیامن حکم اعتراض شد. پیامنی که حماسی را سنگ بنای دولت انقلابی فتح و حماسی را گویایر بر سرزمین غرغ کرد. از برخی کارکنکی های جزئی صهیونیست ها در مقابل این پیامن که بگنیدیم جنبش حماسی با حمایت آمریکا و اسرائیل این پیامن را دنبال کرد. اما پیاسخ حماس به این فمصل از تلاش های دیپلماتیک آمریکا و شرکایش نشان بود که قبل از پیامان

**● مقایسه نتایج ۲ جنگ ۱۹۶۷ و ۲۰۰۶ و اسرائیل**

پس از پایان جنگ ژوئن ۱۹۶۷ که به شکست اعراب و پیروزی اسرائیل انجامید سران عرب با تشکیل نخستین در خارطوم پایتخت سودان هرگونه صلح معطل مذاکره با رژیم صهیونیستی را رد کردند. رهبری این تصمیم گیری در آن زمان با جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر بود. این در حالی بود که اعراب از اسرائیل متحمل شکست سنگینی شده بودند که دارای اثرات استراتژیک و امنیتی بر جامعه عرب به طور عام بود و همین جنبه نیز تغییرات ژئوپولیتیکی را علیه جنبش عرب منجر شد. با این وجود اما چند ماه پس از پایان جنگ ۲۲ ژوئن و لبنان و اسرائیل در تابستان سال ۲۰۰۶ میلادی، سران عرب در نشست استپالینون (مارس ۲۰۰۷) در ریاض و به رغم پیروزی استراتژیکی که چه در حوضه سیاسی و نظامی همه اسرائیل به دست آوردند تصمیماتی را اتخاذ کردند که تماماً برخلاف تصمیمی هستند که باید در جهت صلح خارطوم در سال ۲۰۰۶ پیش استپالینون کردند. در نشست ریاضی که این بار به ریاست عبدالعزیز بادشاه سعودی سران استپالینون برگزار شد، سران عرب بدون توجه به پیروزی استراتژیکی که حزب الله لبنان در اختیار آنان قرار داده بود تحت عنوان صلح عربی تم هم مذاکره با اسرائیل را به صلح با اسرائیل را از برای همه جنبش های رژیم صهیونیستی در اشغالی ۱۹۶۷ پذیرفتند. بدون آن که برزی صرغند ظاهری معطل زدیک به ۵۰ مورد قطعنامه بین المللی در خصوص مسائل فلسطین و اسرائیل تاکنون گرفته و فلسطین عقب نشینی کند. هر کرانه باختری که در قالب سرزمین های درآی اولیوه انبیتی برای تل آویو هستند که قبوتی و کوشنی از آنان به عنوان دوستکی استپالینون خواهد بود. جلال خواجه اعراف فرمت تاریخی خود را اینگونه به بهایی بسیار اندک فروخته اند جای تأمل دارد.

دولت کنونی ندارند اما از امدان دولتی افراطی در هراس هستند. بر این اساس در شرایط رژیم صهیونیستی راه تسهیل می کند. این امر تنها راهکاری است که ملت فلسطین را از تحقق آرمان تشکیل کشور مستقل فلسطینی به پایتختی قدس شریف رهنمون می سازد.

**● سایه شکست جنگ ۲۳ روزه**

تل آویو همه چیز تحت اشعاع شکست جنگ ۲۳ روزه است. درست ۳۹ سال پس از جنگ شش روزه یعنی در تابستان ۲۰۰۶ آخرین جنگ میان طرف عرب و اسرائیلی با تغییر و تحولاتی که منطقه خاورمیانه شاهد آن بود، در گرفت. این بار طرف عربی را ارتش های سازمان یافته با جنگ افراهی سنتنی تشکیل نمی داد. گروهی مبارز تحت عنوان جنبش حزب الله که قدمت آن از ۲۰ سال هم تجاوز نمی کرد طرف مقابل اسرائیلی بود که مراب از اسرائیل سال ۱۹۶۷ پیشرفته تر و قدرتمند بود. اسرائیل در این جنگ قدرتی ۳۰۰ فرزندگی کویتر، ۶۰ سکیوی بدافندند ضد موشکی، ۲۶۰ دستگاه انواع تانک های پیشرفته، ۷ زیر دریایی، ۱۷ ناو جنگی و در نهایت ۶۱۳ هزار نیروی نظامی ام خدمتی و ذخیره به دست داشت. مدت جنگ به تنها ۶۹ روز بود که ۲۳ روز به طول انجامید و نتیجه آن نیز تسهیل شد. جنگ ژوئن ۱۹۶۷ (نخستین جنگ اعراب و اسرائیل) نداشت. طرف عربی با ۳۱ هزار ۵ نیروی حاضر در میدان آن روز در بندش دیرینه حزب الله و صامیان اسرائیل را در سی و سومین روز جنگ وادار کرد با ارائه قطعنامه ای از سوی شورای امنیت موجبات خروج ابرویمندها رژیم اسرائیل از این جنگ کفلهای این بار آغاز کرد و نتیجه این برنامه از پیش طراحی شده بود، مهیا شد. در پیروزی جنبش حزب الله لبنان در آخرین جنگ اعراب و اسرائیل به نتایج هیچ ارتش عربی خود را وارد جنگ با اسرائیل نکرد که برخی نظام های عربی حتی حزب الله را مهتم به ماجراجویی همه مردم این کشور کرده و در تصویب قطعنامه ای که دشمن و شرمانی حزب اسرائیل را از مرز جنبش تحریم می داد ای کوششی دریغ نکردند. به هر روی حزب الله لبنان علاوه بر ادوات دوست و دشمن پیروز قاطع آخرین جنگ اعراب و اسرائیل پس از ۴۰ سال از نخستین جنگ آنان در سال ۱۹۶۷ بود این تفاوت که اعراب این بار هدف خود را پیروزی نمی داشتند و درست در جهت مخالف اهدافی حرکت کردند که ۲۰ سال پیش برای تحقق آن شکستی متفاجانه را شاهد شدند.

# شکست های عصر اولمرت

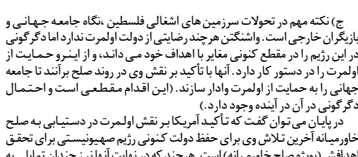
[منبع: فدنشا]

● **بی شک ایهود اولمرت نماد ناکامی صهیونیست ها است**

اولمرت که در انتشار گزارش صلح وینوگراد، ریخ مخالفان قرار گرفت، تلاش دارد تا بکلیه بر نقش خود در صلح وینوگراد هیچگونه قدرت را حفظ نماید و سروریه دیگر آمریکا نیز تلاش برای حمایت از او مرفعی اولمرت به عنوان تنها پیام صلح خاورمیانه باشد. این حمایت از آن به دست آورد. انتشار گزارش کمیته وینوگراد که در آن رژیم نخست وزیر، عمیر پروز و وزیر جنگ و دین هالوسنی شدند، سابق ستاد ارتش رژیم صهیونیستی به عنوان عاملان شکست لبنان معرفی شدند، تشدید اعتراضات علیه اولمرت را به همراه داشت. نکته مهم در بحران اخیر صهیونیست ها در این باره خودری است. هر چند آنها از نظر قرار داده اند و آن نقش اولمرت در تحقق روند سازش خاورمیانه است، این در حالی است که:

(الف) ساکنان سرزمین های اشغالی فلسطین و شرکایش تهدید می یابند، در ادامه انتفاضه و پیاسخ های موشکی مقاومت در بر اسرائیل، آنها خواستار اجرای اتش اتش می کنند که در حالی که اولمرت به عنوان مجری طرح می تواند تا حدودی از انتقادهای جامعه مسلمانی نشین با بکاهد.

(ب) آمریکا تلاش دارد تا با معرفی اولمرت به عنوان تنها ناجی سازش خاورمیانه، رضایت اعراب را برای حمایت از آن به دست آورد. به عبارتی دیگر آنها چنان وانمود می کنند که نبود اولمرت مانند شکست طرح صلح است و این رو اعراب باید از آن حمایت کنند. در این امر در مقابل تشکیلات خودگردان نیز تکرار می شود. (آنها افرادی جدید به جای اولمرت را به ویژه بزرگ شکست مذاکرات و تشدید حملات علیه فلسطینیان عنوان می کنند.)



(ج) نکته مهم در تحولات سرزمین های اشغالی فلسطین نگاه جامعه جهانی و بازیگران خارجی است. واشنگتن معیار بازی در دولت اولمرت ندارد اما در گویوی در این رژیم در از مطلق کشونی منبایر با اهداف خود می داند، و از اینمزو حمایت از اولمرت را در دستور کار دارد. آنها با تأکید بر نقش وی در صلح وینوگراد تا جاییه را به حمایت از اولمرت وادار سازد. این اقدام مقدماتی است و احتمال دارد گویوی در آن در آینده وجود دارد.

در پایان هر می توان گفت که تأکید آمریکا بر نقش اولمرت در دستبندی به صلح خاورمیانه آخرین تلاش وی برای حفظ دولت کنونی رژیم صهیونیستی برای تحقق اهدافش (ویوز صلح خاورمیانه) است. هرچند که در نهایت آنها نیز چندان نامیایی به